

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال پنجم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵، پیاپی ۱۷  
صفحات ۱۵۱-۱۳۵

## تحلیل راهبردی گردشگری روستایی ناحیه غرب مازندران در راستای توسعه پایدار

ولی الله رحمانی؛ دانش آموخته دکتری جغرافیای انسانی، گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.  
نصرالله مولائی هاشجین\*؛ استاد گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.  
تیمورآمار شیرکیائی؛ دانشیار گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۰/۱۴

دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۲۶

### چکیده

امروزه با توجه به اهمیت همه جانبه‌ای که پایداری به عنوان پارادایم حاکم در موضوع توسعه به دست آورده، پرداختن به توسعه پایدار روستایی امری ضروری است. بر این اساس در این مقاله به بررسی تحلیل راهبردی گردشگری روستایی ناحیه غرب مازندران در راستای توسعه پایدار در روستاهای هدف و نمونه گردشگری غرب مازندران از دیدگاه کارشناسان و برنامه‌ریزان و مردم پرداخته شده است. داده‌های تحقیق از طریق تنظیم پرسشنامه‌های مختلف، مطالعات میدانی و اسنادی برای ۳۷ روستای هدف و نمونه گردشگری غرب مازندران جمع آوری شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتایج به دست آمده بر اساس الگوی راهبردی ارزیابی پایداری سازمان دهی شده و تحلیل شده هر یک از نقاط قوت و ضعف، فرصت و تهدید به صورت نمودار  $X$  و  $Y$  برای ارائه استراتژی و الگوهای راهبردی ارزیابی پایداری تنظیم گردیده و به ارائه استراتژی تدافعی (WT) جهت رسیدن به پایداری روستاهای غرب مازندران پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: پایداری، گردشگری روستایی، الگوهای راهبردی.

\* nmolaeih@iaurasht.ac.ir

## (۱) مقدمه

مفهوم پایداری در گردشگری طی چند دهه گذشته یکی از اصلی‌ترین و در عین حال مباحثه انگیزترین مفاهیم توسعه گردشگری بوده است و به عنوان چارچوبی برای فهم روندهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و مدیریت منابع طبیعی و گردشگری در سراسر جهان مطرح شده است (افتخاری و همکان، ۱۳۸۹: ۱). مفهوم پایداری از زمان انتشار گزارش آینده مشترک ما مطرح شد و در ادبیات توسعه جهان، پارادایم توسعه پایدار از دهه ۱۹۷۰ به بعد مورد توجه قرار گرفته است. امروزه پارادایم پایداری به طور عام و در صنعت گردشگری به طور خاص به دغدغه‌های جهانی تبدیل شده و در نوشتار توسعه گردشگری، مفهوم پایداری به کانون اصلی مباحث علمی و دانشگاهی جهان تبدیل شده است (Mason & Van Der Borg, 2002).

امروزه با توجه به توانمندی‌ها و برنامه‌ریزی‌های تعاملی، رونق گردشگری روستایی و نهایتاً بهبود شاخص‌های زندگی و توسعه همه‌جانبه قابل مشاهده است. به دلیل فقدان برنامه‌ریزی و ضعف مدیریت، از فرصت‌های موجود در روستاها در زمینه گردشگری و تجدید حیات اقتصادی و اجتماعی بیش از حد استفاده شده است و در مقابل تهدیدهای مرتبط با گردشگری و نبود برنامه‌ریزی موثر و پایدار در روستای هدف و نمونه گردشگری غرب مازندران آشکار شده است. در این میان هر چند در ادبیات و نظریات توسعه و توسعه گردشگری روستایی ایران نیز در دهه گذشته مفاهیم پایداری و توسعه پایدار به طور چشم‌گیری افزایش یافته است، اما مطالعاتی که در زمینه توسعه گردشگری در روستاهای ایران با مشکلات و چالش‌های فراوانی روبرو است، بدون داشتن الگوی برنامه‌ریزی راهبردی مشخص، موجب تمرکز شدید آن در یک منطقه و همچنین عدم توزیع آن در مناطق مناسب و بهره‌برداری بیش از حد منابع و امکانات شده، آثار زیان‌بخش و نامطلوبی را به بار می‌آورد.

از این رو با توجه به این مطلب که گردشگری فعالیتی بسیار پیچیده است و با بخش‌های دیگر جامعه و اقتصاد وجوه مشترکی دارد، دارای آثار و پیامدهای مختلفی است که می‌بایست در فرایند برنامه‌ریزی، تمامی جوانب آن مورد توجه قرار گیرد. در این زمینه نگرش جامع برای توسعه‌ی کل ساختار گردشگری و مدیریت راهبردی کارکردهای مربوطه ضروری است به شکلی که با بافت طبیعی و محیط فرهنگی اجتماعی عرصه‌ی کارکرد صنعت گردشگری، سازگار باشد و در این صورت است که صنعت گردشگری، می‌تواند نقش عمده‌ی را در کاهش پیامدهای منفی ناشی از فشار بر منابع طبیعی، در راستای پایداریسازی اقتصاد جوامع مختلف ایفا کند (Crouch, 1994:5). این امر مستلزم، وجود الگو و راهبرد مشخص برای نیل به این هدف است. از سوی دیگر، برنامه‌ریزی راهبردی و بلندمدت برای توسعه‌ی گردشگری در تمام ابعاد برای دست‌یابی به توسعه و مدیریت موفق آن، امری اساسی است؛ چراکه در بلندمدت روش برنامه‌ریزی شده برای توسعه‌ی گردشگری، می‌تواند علاوه بر ایجاد منافع و حفظ رضایت گردشگران و مردم مناطق

گردشگرپذیر، از تهدیدها و زیان‌های احتمالی آن جلوگیری کند. بنابراین برای فراهم کردن زمینه‌ی توسعه‌ی تمامی عناصر گردشگری و برقراری ارتباط متقابل میان جاذبه‌های گردشگری، فعالیت‌ها، امکانات، خدمات و بازارهای گردشگری از یک سو و ایجاد مبنایی برای اجرای مؤثر سیاست‌ها و برنامه‌های گردشگری در سطح منطقه در راستای سیاست‌ها و الگوهای توسعه‌ی کشور، می‌بایست بررسی و شناخت جامعی از عوامل نقاط قوت (تأثیرگذار درونی) و ضعف (عوامل مؤثر بیرونی) فرصت‌ها و تهدیدها به دست آورد تا بتوان با ارائه‌ی راهبردها و راهکارها، چشم انداز و جایگاه گردشگری را در سطح منطقه‌ی مورد مطالعه مشخص کرد (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۲: ۱۲۵).

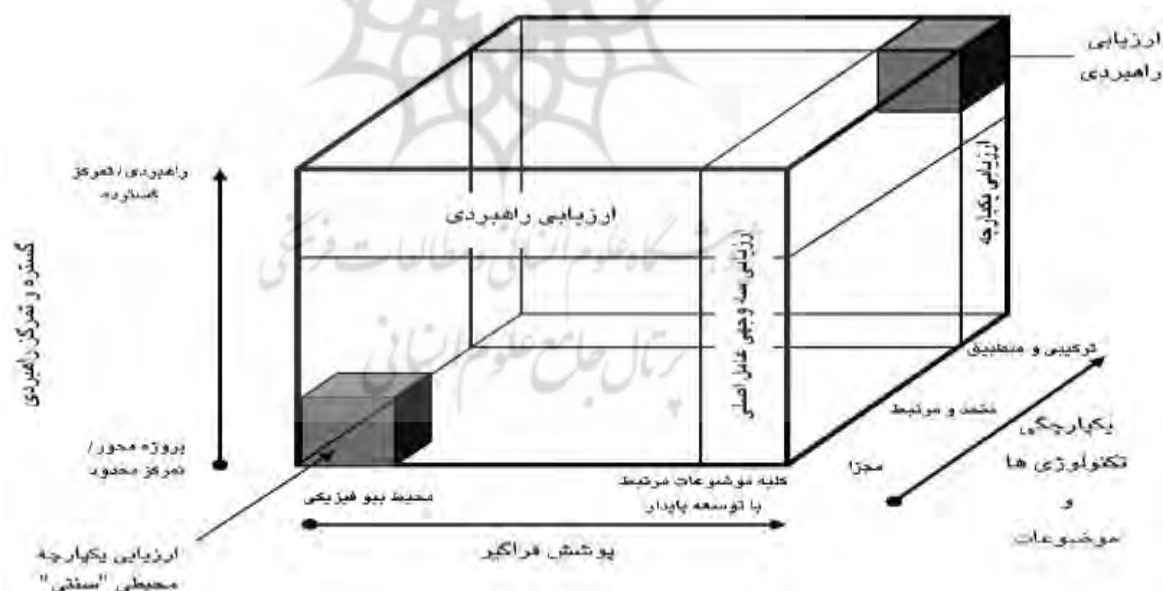
## ۲) مبانی نظری

توسعه پایدار روستایی یکی از اهداف اساسی سیاست‌گذاری‌های کلان در همه کشورها است. توسعه پایدار یک مفهوم کلی و در ارتباط با ابعاد مختلف زندگی روستاییان و همچنین رابطه این ابعاد با محیط پیرامون است (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۱). از طرف دیگر به نظر می‌رسد که روستاها به عنوان دومین سکونتگاه‌های جمعیتی کشور در مطالعات مختلف کمتر مورد توجه است. به همین دلیل توسعه آن با چالش‌های بیشتری مواجه است. پرداختن به موضوع مهم ارزیابی و سطح بندی توسعه پایدار روستایی ما را قادر خواهد ساخت تا با شناخت کافی از سرزمین مطالعه شده به برنامه ریزی و مدیریت آن پرداخته شود. بدون چنین شناختی، برنامه ریزی و مدیریت در جهت پایداری فعلی توسعه با مشکل روبه رو است (افتخاری و آقایی‌هیر، ۱۳۸۶: ۱۳).

امروزه گردشگری روستایی به یکی از فعالیت‌های پیشتاز اقتصادی تبدیل شده است. مطالعات نشان می‌دهد بین توسعه گردشگری روستایی و جذب گردشگر و افزایش درآمد اقتصادی رابطه مثبتی وجود دارد؛ گردشگری روستایی می‌تواند راهکاری مناسب برای توسعه، کسب درآمد و افزایش اشتغال باشد. اهمیت گردشگری و لزوم تحقیق در مورد آن با توجه به نقش‌های مهم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر هیچ کس پوشیده نیست. بسیاری از نظریه پردازان گردشگری را به عنوان صنعتی که ثبات اقتصادی و جمعیتی را برای جوامع روستایی به دنبال دارد می‌پندارند و توسعه گردشگری را عنصر لازم برای حرکت به سوی توسعه مناطق روستایی می‌دانند (رستمی و همکاران: ۱۳۹۰: ۲). آنچه مسلم است گردشگری روستایی به طور فزاینده‌ای توان اقتصادی و پتانسیل‌های زیستی را در مناطق روستایی بالا برده و محرک حیات سکونتگاه‌ها و نیز بهبود دهنده شرایط زندگی جوامع روستایی به حساب می‌آید (Briedenhann, 2004: 7). بسیاری از اجتماعات روستایی، گردشگری را برای محافظت از منابع طبیعی و استراتژی برای توسعه اقتصادی و تفریحات و حفظ ارزش‌های اجتماعی در نظر می‌گیرند. بار عقیده دارد توسعه گردشگری باید به استراتژی توسعه اقتصادی مناسب رشد و ترقی برای اجتماعات روستایی منجر

شود، در حالی که بورک و لالوف<sup>۱</sup> معتقدند که گردشگری می تواند وسیله مهمی برای نشان دادن تنزل اقتصادی روستاها باشد. بنابراین، سرمایه گذاری در گردشگری فقط به عنوان ابزاری برای تفریح و اوقات فراغت گردشگران در روستاها نمی باشد، بلکه روشی برای توسعه روستاها نیز است (طالب و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۰).

الگوی راهبردی به عنوان یک چارچوب ارزیابی پایداری براساس اولویت دهی با دیدگاه نظام مند، کل گرا، همه جانبه و یکپارچه در مدیریت و برنامه ریزی پایداری روستایی نوین استوار است که در توسعه روستایی مورد توجه قرار می گیرد و در مقابل الگوی توسعه تک بعدی، رشد گرا و اقتصاد محور پایه ریزی شده است. الگوی راهبردی برای ارزیابی پایداری به معنای رد کردن و نپذیرفتن سایر الگوهای ارزیابی برای پایداری نیست بلکه این الگو در راستای الگوهای قبلی است. بنابراین الگو راهبردی ارزیابی پایداری پوشش دهنده سه مسئله بسیار مهم و اساسی است (Hacking and cuthrie, 2008:75): ۱. فراگیر و جامع بودن (Comprehensiveness): به لحاظ حرکت از نگاه تک بعدی به نگاه پایدار با پوشش همه موضوعات در ابعاد زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی؛ ۲. یکپارچه بودن (Interestedness): از جهت حرکت کردن از نگاه جزئی و مجزا به نگاه ترکیبی به موضوعات؛ و ۳. راهبردی بودن (Strategicness): از جهت حرکت از حوزه های محدود و کوتاه مدت به حوزه های گسترده و بلند مدت.



شکل شماره (۱): طیف اشکال مرتبط با فرایند ارزیابی راهبردی توسعه پایدار

منبع (Reed & et al., 2006:414)

سنجش پایداری در مناطق روستایی به عنوان سطح محلی مشکلاتی وجود دارد، و از سویی دیگر شاخص های موجود به طور عمده بر اساس رویکرد بالا به پایین بوده است (Riley, 2001: 246) و بر این

اساس مشکلات و مسائل پیش روی ارزیابی مناسب پایداری را می توان به این صورت بیان کرد که چه شاخص هایی را می توان برای اندازه گیری پایداری مورد استفاده قرار دارد و الگویی مناسب برای پیاده کردن این شاخص ها یافت.

شاخص های پایداری مفهوم جدیدی است که با هدف ارزیابی در برنامه ریزی و توسعه مطرح می شود؛ شاخص های پایداری معیارهای پیش آهنگ پایداری و منعکس کننده مؤلفه های اساسی و بنیادی برای سلامت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی جامعه در بلند مدت و طی نسل ها هستند (Sustainable, 1996:4). شاخص های پایداری با توجه به ویژگی های یکپارچگی نگاه به آینده، توزیعی و تهیه شده از چند سازمان در جامعه، از شاخص های ساده زیست محیطی اقتصادی و اجتماعی قابل تمایز هستند، همه شاخص های پایداری بهتر است مشخصه آخر را داشته باشند. امکان ندارد یک شاخص پایداری تهیه شده سه مشخصه اول را باهم داشته باشد. در یک مجموعه ارائه شده از شاخص های پایداری، همه این مشخصات باید وجود داشته باشد. خصوصیات یکپارچه، ادغام و کلی شاخص های پایداری بیانگر این است که ارتباط میان ابعاد اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی نشان داده شود. نمونه این نوع شاخص ها، مقدار اراضی صدمه دیده واقع در یک منطقه است. این شاخص هم نشان دهنده صدمات فعالیت صنعتی و هم محدودیت زیست محیطی در توسعه مجدد آن هاست، دیگر شاخص با این ویژگی، نرخ بیکاری است؛ زیرا برای سنجش فشارهای اقتصادی و اجتماعی به کار می رود. شاخص های مرکب که دو یا چند شاخص را با هم ترکیب می کنند نیز می توانند خصوصیات یکپارچه کنندگی را بیان کنند. بنابراین کاربرد اصلی شاخص عبارتند از: ۱. ارزیابی شرایط و حساسیت ها ۲. مقایسه بین مکان ها و موقعیت ها ۳. ارزیابی شرایط و گزارشات در ارتباط با اهداف و مقاصد ۴. تأمین اطلاعات هشدار دهنده ۵. پیش بینی شرایط و روند آینده (سعیدی، ۱۳۷۴: ۱۹).

ارزیابی زیست محیطی تحلیل پیامدها یا اثرات زیست محیطی یک طرح، برنامه، یا رشته فعالیت را گویند. اثرات احتمالی یک فعالیت در این نوع ارزیابی بر اساس معیارهای معین با شرایطی که فعالیت های جایگزین ایجاد می کنند مقایسه می شوند (شایان و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۵). این نوع ارزیابی آثار مثبت و منفی طرح بر محیط را مورد تأکید قرار می دهد و شیوه های است که متخصصان برای توصیف و تحلیل آثار عمده فعالیت های محیطی به کار می گیرند تا از طریق شناخت عوامل مؤثر در اثرگذاری محیطی به ویژه آثار منفی را به حداقل رسانند. موضوع مورد تأکید در این زمینه ظرفیت نگهداشت منطقه ای برای جامعه انسانی است که به صورت حداکثر میزان مصرف منابع و خروج و تصفیه پسماندی به طور مشخص در یک منطقه، برنامه ریزی معین بدون لطمه زدن، آسیب رساندن تصاعدی بر یکپارچگی وحدت اکولوژیکی و بهره وری زیستی، پایدار می ماند (بدری وافتخاری، ۱۳۸۲: ۱۹).

ارزیابی اجتماعی به بررسی آثار و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی فعالیت‌های عمومی و خصوصی بر جوامع بشری می‌پردازد. این فعالیت‌ها روش زندگی، کار، برخوردها و تعاملات سازماندهی نیازها و سرانجام مشارکت افراد و اعضای جامعه را تغییر می‌دهد آثار فرهنگی شامل تغییرات در هنجارها، ارزش‌ها و اعتقادات افرادی است که هدایت‌گر و عقلایی کننده‌ی شناخت آن از خود و جامعه‌شناسان است (شایان و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۶).

پایداری اجتماعی است که به دلیل ماهیت خود کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. تاکنون دامنه گسترده‌ای از مفاهیم در خصوص پایداری اجتماعی همچون سرمایه اجتماعی، اجتماعات پایدار، تاب‌آوری اجتماعی، توسعه اجتماعی، ظرفیت اجتماعی و رفاه و محرومیت اجتماعی صورت گرفته، که حاصل تغییر نگرش به مفهوم توسعه به معنای عام و توسعه روستایی به معنای خاص آن بوده است (پورطاهری و همکاران: ۱۳۸۸: ۸). برای ارزیابی و سنجش پایداری اجتماعی در مناطق روستایی بر حسب شرایط هر منطقه و توجه خاص به برخی از جنبه‌های پایداری اجتماعی، معرف‌ها و شاخص‌هایی متنوع و گسترده در کانون توجه بوده است. از این رو، تدوین نوع نگاه به شاخص‌ها و روش‌های اندازه‌گیری و اولویت‌بندی گزینه‌ها از ضرورت‌های مراحل ارزیابی پایداری است (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۳).

ارزیابی اقتصادی عمدتاً در برگیرنده تعریف توصیف و کمی کردن کلیه آثار ایجاد شده توسط طرح-هاست. این آثار می‌تواند مثبت یا مطلوب و بالعکس منفی و یا نامطلوب باشد. بنابراین، ارزیابی اقتصادی، به ارزش گذاری نزدیک شده و جریان‌های پولی یا داده و ستانده ناشی از فعالیت‌های مختلف بخش‌های اقتصادی را می‌سنجد، این نوع ارزیابی غالباً هر چه را که با معیارهای پولی و بازار مورد سنجش باشد، در نظر می‌گیرد؛ حال در صورتی که توسعه پایدار هدف نهایی باشد، نیاز به ابزار و روش‌هایی است تا بتوان به کمک آن‌ها حرکت به سوی پایداری را در مقیاس مختلف (جهانی، ملی و محلی) اندازه‌گیری کرد. در واقع برنامه‌ریزی بدون ارزیابی و سنجش کاری بیهوده خواهد بود. برای این کار در طول تاریخ برنامه‌ریزی انواع ابزارها و روش‌ها برای هدایت فرایند برنامه‌ریزی و ارزیابی نتایج آن ابداع شده و تکامل پیدا کرده است (عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲).

ارزیابی توسعه پایدار به عنوان امری ضروری و در عین حال پیچیده اغلب بر ساخت‌دهی چارچوبی منسجم برای تدوین گزینش و تحلیل شاخص‌های نمایا و معتبر استوار است. در واقع بدون شاخص‌ها نمی‌توان اقدامی معتبر و شایسته جهت برنامه‌ریزی و سنجش پایداری توسعه انجام داد، شاخص‌ها بازتاب و بر خاسته از اصول پایداری و همسو و همساز یا جریان پایداری هستند. از این رو، تبیین هر گونه ملاک، شاخص، هنجار و معیار برای ارزیابی پایداری می‌بایست مبتنی بر اهداف، راهبرد وظایف و رهنمودهایی باشد که برای دستیابی به پایداری در فرآیند توسعه تدوین شده‌اند (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۸۶).

مطالعات زیادی در مورد گردشگری و تأثیر آن در ابعاد توسعه پایدار روستاها صورت گرفته است؛ به طوری که هنینگ (Henning) در تحقیقی در ناحیه روستایی لوئیزیانا مشخص کرد که ورود مکرر گردشگران، آثار بسیار خوب و مثبتی را در بین نواحی بزرگ روستایی داشته است. در این بررسی همچنین مشخص شد که در اغلب نواحی روستایی، بازارهای منطقه ای و محلی ایجاد شده است که به عرضه انواع کالاهای محلی و بومی می‌پردازند (قنبری، ۱۳۸۷: ۱۴۲). مطمئناً توریسم می‌تواند به عنوان یک جزء مهم در طرح‌های توسعه و مدیریت در روستا مطرح باشد (Henning, 1996 : 68) وی همچنین تحلیل می‌کند که گردشگری روستایی یک نیروی مهم برای توسعه دادن مناطق روستایی به حساب می‌آید؛ خصوصاً برای روستاهایی که دارای انتخاب محدود برای توسعه هستند و می‌توانند توریسم را به مثابه یک اکسیر برای رشد و توسعه خودشان قلمداد کنند.

بورک (Bourke) براس (Brass) و وودس (Bourke) و بار (Burr) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که راهبرد گردشگری روستایی باید با اهداف محلی هماهنگ و مطابق با منش، آداب و رسوم و فرهنگ آن منطقه باشد و نسبت به پای‌بندی به قوانین و مقررات بومی بسیار حساس باشد (قنبری، ۱۳۸۷: ۱۴۲). ویور (Weaver) در گزارش تحقیقی خود به این نتیجه رسیده است که گردشگری روستایی نه تنها می‌تواند فرصت‌های اشتغال را افزایش دهد، درآمد بالقوه را بالا ببرد برای ساکنان محلی، استحکام پایه‌های اقتصادی بومی را به دنبال داشته باشد و منبع مالیات برای مدیریت نواحی روستایی باشد، بلکه می‌تواند فرصت‌های فرهنگی را برای ساکنان محلی افزایش دهد (Weaver:1986:201).

جوروسکی (Jurowski) بیان می‌کند که گردشگری روستایی اگر خوب برنامه ریزی و مدیریت شود، می‌تواند منابع محیطی محلی را حفظ و یا افزایش دهد (Jurowski, 1996:55). کرولین آشلی (Ashley.C.2000) اشاره کرد که در تحقیقی تحت عنوان «تأثیرات توریسم بر روی معیشت روستائیان» دامنه وسیعی از اثرات توریسم را بر روی معیشت روستائیان ساکن در قسمت‌های مختلف کشور نامیبیا را بررسی کرده است. تایم آنوین (2000) در مقاله ایی تحت عنوان «توسعه توریست در استونی، جاذبه‌ها، پایداری و توسعه روستایی» عوامل مؤثر در توسعه توریست در کشور استونی را از زمان استقلال این کشور بررسی می‌کند، ریچارد و جولیا شاپلی (۱۹۹۷) در کتاب "مقدمه ایی بر توریسم روستایی" تاحدود زیادی مفهوم توریسم روستایی و حدود و قلمرو آن را و نیز چگونگی برنامه‌ریزی توریسم را در نواحی روستایی تبیین می‌کنند.

میشل بارین و لوئیز داکسی (۲۰۰۳) در تحقیقی تحت عنوان توسعه توریسم در نواحی روستایی فقیر: متنوع سازی تولیدات و گسترش منافع برای روستاها در اوگاندا و جمهوری چک اسلواکی مورد بررسی قرار داد (رحمانی: ۱۳۸۶: ۴۶). بونتور و لاسنیر (Bontor & Lasnier) در تحقیقات خود نشان دادند که آثار گردشگری محلی در مناطق روستایی به عوامل و فاکتورهایی مانند ساختار نیروی کار و مسائل و

مشکلات مربوط به فصول مختلف سال بستگی دارد. در این تحقیق همچنین مشخص شد که حمایت‌های مدیریت محلی و منطقه‌ای یک جزء لازم برای راهبرد گردشگری موفق در مناطق روستایی است (Bontor & Lasnier, 1997:95).

برنار شاریه، ۱۳۷۳، توسعه گردشگری در نواحی روستایی را تهدیدی برای کشاورزی می‌داند؛ او معتقد است شهرگرایی در نواحی روستایی منجر به تعدد سکونتگاه‌ها در روستاها و همزیستی دشوار بین کشاورزی و سایر فعالیت‌ها می‌گردد. تقاضای زمین برای ایجاد بنا، گاه به نحو سرسام‌آوری بر بهای اراضی می‌افزاید و این شرایط مناسبی برای حفظ فعالیت‌های کشاورزی به‌شمار نمی‌آید.

شریف زاده و مرادنژاد (۱۳۸۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «توسعه پایدار و توریسم روستایی» به ابعاد پایدار آن پرداخته است، تقوایی و شاپورآبادی (۱۳۸۱) در تحقیقی «توسعه منطقه برخوار اصفهان از طریق گسترش توریسم روستایی را بررسی کرده است. قادری (۱۳۸۲) در رساله دکتری خود تحت عنوان «گردشگری و توسعه روستایی پایدار» به بررسی و نقش توریسم در توسعه نواحی روستایی پرداخته است. آقایی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۳ تحت عنوان سطح بندی پایداری توسعه روستاهای بخش هیر با استفاده از GIS پرداخته است که با نگرش اندام وار به توسعه پایدار و شاخص‌سازی بر اساس خصوصیات نظام‌های پایدار در قالب ماتریس توسعه پایدار با در نظر گرفتن ۸۹ شاخص به ارزیابی و سطح بندی پایداری توسعه روستاهای هیر پرداخته که نتایج حاکی از وضعیت نامطلوب ناپایداری در منطقه مورد مطالعه است.

فراهانی در رساله دکتری خود تحت عنوان ارزیابی پایداری در نواحی روستایی با تأکید بر عوامل اقتصادی و اجتماعی در مورد شهرستان تفرش در سال ۱۳۸۵ به بررسی عوامل ناپایداری و پایداری در نواحی روستایی پرداخته است. کورش برارپور (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان سنجش وضعیت پایداری توسعه محلی در کلاردشت با استفاده از یک الگوی راهبردی با استفاده از روش وزن دهی ترجیحی به وضعیت پایداری توسعه محلی را در کلاردشت مورد سنجش و بررسی قرار داده است. کریم حمیدی و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان بررسی تأثیر توریسم تاریخی-فرهنگی بر توسعه پایدار شهری همدان به تأثیرگردشگران در ابعاد اقتصادی اجتماعی فرهنگی و زیست محیطی گردشگران پرداخته است. افتخاری و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای به نام ارزیابی پایداری گردشگری در روستاهای تاریخی فرهنگی ایران با تأکید بر پارادایم توسعه پایدار گردشگری به پایداری گردشگری در شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی و زیست محیطی در روستاهای تاریخی فرهنگی ایران پرداخته است. مولایی هشتجین و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل پیامدهای گردشگری در ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی دهستان بلده کجور شهرستان نوشهر) به ناپایداری و پیامدهای حضور گردشگران در ابعاد مختلف به سکونتگاه‌های روستایی را مورد بررسی قرار داده است. محمد اکبرپور سراسکانرود و

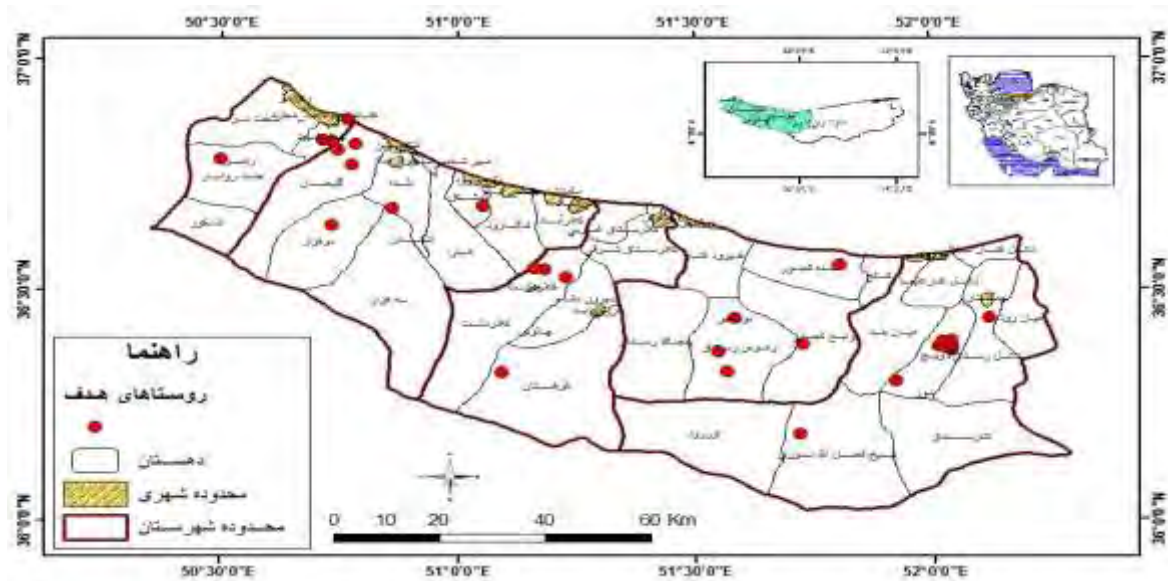


همکاران (۱۳۹۰) در مقاله ای با عنوان سنجش تأثیرات گسترش گردشگری بر ابعاد توسعه پایدار مطالعه موردی شهرستان هشتروود به تأثیر گردشگری در ابعاد مختلف و مسئله توسعه پایدار پرداخته است. حمید شایان و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای به نام ارزیابی پایداری توسعه روستایی (مطالعه موردی شهرستان کمیجان) به ارزیابی زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی روستاهای کمیجان پرداخته است.

### ۳) روش تحقیق

روش شناسی مورد استفاده، به صورت نظام وار و همه جانبه نگر با تأکید بر روش شناسی توصیفی - تحلیلی و شیوه‌های ترکیبی شامل زمینه‌یابی (پیمایشی)، کیفی و کمی بوده است. به منظور گردآوری اطلاعات از روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ایی و روش‌های میدانی پرسشنامه و مصاحبه با مردم و برنامه یزان امر گردشگری بهره گرفته شده است. جامعه آماری مورد مطالعه عبارتند از ۱۷ روستای هدف و نمونه گردشگری غرب مازندران که بنابر سرشماری سال ۱۳۹۰ این روستاها دارای ۴۴۸۸ خانوار با ۱۴۷۱۰ نفر جمعیت بوده است و این روستاها در شهرستان‌های نور، نوشهر، چالوس، عباس‌آباد، تنکابن و رامسر قرار دارد. داده‌های تحقیق از طریق مطالعات میدانی و مراجعه به مردم (سرپرست خانوار) مسئولان دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط با روستا، شورای اسلامی و برنامه‌ریزان امر گردشگری که در این ناحیه فعالیت می‌کنند، جمع‌آوری گردیده است که از GIS و SPSS برای ورود داده‌ها استفاده شده و جهت ارائه راهبردهای مناسب از مدل SWOT استفاده شده است. به منظور انتخاب نمونه از بین به مردم (سرپرست خانوار) تعداد ۳۵۸ نفر نمونه از طریق نمونه‌گیری کوکران انتخاب و مورد پرسشگری قرار گرفته‌اند.

تحلیل راهبردی گردشگری در جامعه مورد مطالعه با بهره‌گیری از نظرات سه گروه شورا اسلامی، مدیران و مسئولان امر گردشگری و برنامه‌ریزان امر گردشگری جهت وزن‌دهی و اولویت‌سنجی استفاده شده است. سنجش و درجه‌بندی هر یک از عوامل در یک دامنه‌ایی از (۱) تا (۵) درجه‌بندی شده که (۱) به معنای داشتن اهمیت خیلی کم و (۲) به معنای اهمیت کم و (۳) به معنای اهمیت متوسط و (۴) به معنای اهمیت زیاد و (۵) به معنای اهمیت خیلی زیاد آن عامل در تحلیل راهبردی گردشگری روستایی ناحیه غرب مازندران در راستای توسعه پایدار بوده است. سپس اطلاعات در چارچوب مدل SWOT گروه-بندی و تجزیه و تحلیل شده است. موضوعات در چهار دسته عوامل اقتصادی اجتماعی فرهنگی اکولوژیکی و نهادی مورد بررسی قرار گرفته است.



شکل شماره (۲): نقشه محدوده مورد مطالعه

#### (۴) یافته‌های تحقیق

به منظور توسعه گردشگری روستایی در ناحیه غرب مازندران، از مجموع نظر کارشناسان، مدیران و جامعه محلی (جدول ۱) نقاط قوت فرارو برنامه‌ریزان ۱۸ قوت و ۲۰ ضعف بوده است. اولویت‌دارترین نقاط قوت به ترتیب شامل برخورداری چشم‌اندازهای زیبا و بدیع، انتخاب روستا به عنوان روستای هدف، مستعد بودن منطقه برای سرمایه‌گذاری و برخورداری از چشم‌اندازهای طبیعی را می‌توان نام برد. در بین نقاط ضعف شناخته شده، به ترتیب ضعف‌ها شامل عدم وجود برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، نامناسب بودن زیرساخت‌های محیطی و کالبدی و تخریب زمین‌های کشاورزی و مزارع روستایی در اثر گسترش گردشگری بوده است.

فرصت‌های شناسایی شده به منظور توسعه گردشگری روستایی در ناحیه غرب استان مازندران ۱۴ مورد بوده است که به ترتیب شامل مواردی همچون ایجاد راهبرد مدیریت گردشگری روستایی و نداشتن تشکیلات منظم و استوار برای تصمیم‌گیری در زمینه گردشگری پایدار روستایی، امکانات سرمایه‌گذاری و کمی اعتبارات عمرانی در زمینه توسعه گردشگری روستایی و وجود رقابت برای ارائه خدمات مطلوب‌تر به گردشگران در مناطق بوده است. ضعف‌های شناخته شده ۸ مورد و به ترتیب شامل مواردی نظیر برنامه و طرح ریزی بیرون از روستا و عدم توجه به نیازها، دوری و فاصله زیاد مراکز و کانون‌های گردشگر فرست کشور به روستاهای هدف گردشگری و فقدان مدیریتی توانمند، کارا و هماهنگ در زمینه گردشگری بوده است (جدول ۲).

جدول شماره (۱): اولویت نقاط قوت و ضعف (عوامل محیط درونی) توسعه گردشگری روستایی در غرب مازندران

نقاط قوت	نقاط ضعف
S1 بر خورداری از چشم انداز های زیبا و بدیع	W1 عدم وجود برنامه ریزی و سرمایه گذاری بخش خصوصی
S2 انتخاب روستا به عنوان روستای هدف	W2 نامناسب بودن زیرساخت های محیطی و کالبدی (همانند جاده
S3 مستعد بودن منطقه برای سرمایه گذاری	W3 تخریب زمین های کشاورزی و مزارع روستایی در اثر گسترش گردشگری
S4 بر خورداری از چشم اندازهایی طبیعی	W4 نامناسب بودن زیرساخت های فیزیکی و کالبدی (معابر و شبکه
S5 بر خورداری مردم از روحیه مهمان نوازی	W5 وجود قوانین و مقررات لازم برای گسترش گردشگری روستایی
S6 تمایل گسترده جوانان و اهالی روستا به	W6 عدم مشارکت مردم اصلی روستا در برنامه ریزی، اجرا و بهره
S7 داشتن امنیت و ایمنی زیاد در روستا	W7 از بین رفتن فرهنگ سنتی و محلی روستا (همانند زبان، آداب
S8 کیفیت بالای زندگی مردم همراه خدمات و زیرساخت های محلی مناسب	W8 تخریب زمین های کشاورزی و مزارع روستایی در اثر گسترش
S9 اعتقاد مسئولین به پارامتر توسعه گردشگری	W9 کیفیت پایین امکانات و خدمات پذیرایی (رستوران، اغذیه فروشی
S10 وجود اداب و رسوم فرهنگ محلی و سنتی	W10 فقدان طرح مدیریتی تلفیقی در جهت کنترل و هدایت
S11 توسعه زیر ساخت های گردشگری روستایی	W11 فقدان مراکز و فضاهای عمومی برای اقامت و اطراق موقت
S12 وجود خدمات، تاسیسات و تجهیزات	W12 نامناسب بودن تسهیلات و خدمات اقامتی، رفاهی مناسب
S13 وجود نظام مدیریت محلی مناسب	W13 از بین رفتن و تخریب آثار تاریخی و فرهنگی روستا
S14 حمایت و حفاظت مناسب و کافی از جاذبه	W14 استفاده بیش از حد منابع طبیعی و جاذبه های طبیعی روستا
S15 وجود راه ارتباطی مناسب به همراه	W15 آلودگی منابع آبی، مناظر و چشم اندازهای روستا با ریختن
S16 رویکرد اقتصادی مسئولین به توسعه	W16 عدم وجود نیروی متخصص، آگاه و آموزش دیده گردشگری
S17 افزایش فزاینده طرح های دولتی	W17 عدم آموزش روستائیان و عدم آشنایی آنها در نحوه برخورد با
S18 ارتقاء صنعت گردشگری از طریق استفاده مناسب از ظرفیت ها	W18 ضعف اطلاع رسانی و فعالیتهای تبلیغاتی
	W19 سالخورده و پیری جمعیت ساکن در روستا
	W20 عدم توزیع عادلانه منافع ناشی از گردشگری در بین ساکنان

جدول شماره (۲): اولویت فرصت ها و تهدیدها (عوامل محیط بیرونی) توسعه گردشگری روستایی در غرب مازندران

فرصت ها	تهدیدها
O1 ایجاد راهبرد مدیریت گردشگری روستایی و نداشتن تشکیلات منظم و استوار برای	T1 برنامه و طرح ریزی بیرون از روستا و عدم توجه به نیازها
تصمیم گیری در زمینه گردشگری پایدار روستایی	T2 دوری و فاصله زیاد مراکز و کانون های گردشگر فرست
O2 امکانات سرمایه گذاری و کمی اعتبارات عمرانی در زمینه توسعه گردشگری روستایی	T3 کشور به روستاهای هدف گردشگری
O3 وجود رقابت برای ارائه خدمات مطلوبتر به گردشگران در مناطق	T4 فقدان مدیریتی توانمند، کارا و هماهنگ در زمینه گردشگری
O4 مشارکت مردم در زمینه حفظ محیط زیست	T5 عدم ارتباط نسبی فضایی - مکانی روستا با فضای جریانات
O5 تصمیم گیری دولت مبتنی بر توسعه گردشگری پایدار روستایی در سطح روستاهای هدف گردشگری استان	T6 افزایش تمایل و انگیزه گردشگران به مسافرت به سایر
O6 تغییر نگاه ها به سوی حفظ محیط زیست و اهمیت حفاظت از	T7 مناطق
O7 افزایش نهادها و سازمانهای غیر دولتی در زمینه گردشگری	T8 وجود تبلیغات منفی در مورد رفتار مردم روستایی با
O8 افزایش توجه دولت به برنامه ریزی و سرمایه گذاری در بخش	T9 گردشگران
O9 وجود زمینه مشارکت مردم و مسئولان برای حفاظت از محیط	T10 آلودگی هوا و محیط زیست
O10 وجود مراکز آموزش گردشگری روستایی در شهرهای اطراف	T11 تبلیغات منفی جهانی بر ضد ایران و تاثیرات منفی
O11 سیاست دولت در توجه به حفاظت از منابع طبیعی و جلوگیری از تخریب محیط	T12 تحریم ها برای ورود گردشگر خارجی
O12 افزایش تبلیغات و بازاریابی گردشگری توسط آژانس های	T13 افزایش تمایل و انگیزه گردشگران به مسافرت به سایر مناطق
O13 افزایش انگیزه بخش خصوصی	T14 تفریحی نزدیک
O14 وجود قوانین و مقررات لازم برای گسترش گردشگری	

تحلیل عوامل درونی و بیرونی اثرگذار بر توسعه گردشگری روستایی در غرب مازندران و استخراج راهبردهای مناسب از دیدگاه افراد مورد مطالعه نشان داد (جدول ۳) در مجموع ۱۲ استراتژی و راهبرد برای گذار از وضع موجود گردشگری روستایی به وضع مطلوب در راستای چشم‌انداز توسعه پایدار وجود دارد. استراتژی‌های تهاجمی شامل ۲ گزینه، استراتژی‌های تنوع شامل ۳ مورد، استراتژی‌های بازنگری شامل ۲ مورد و راهبردهای تدافعی نیز ۵ گزینه بوده است.

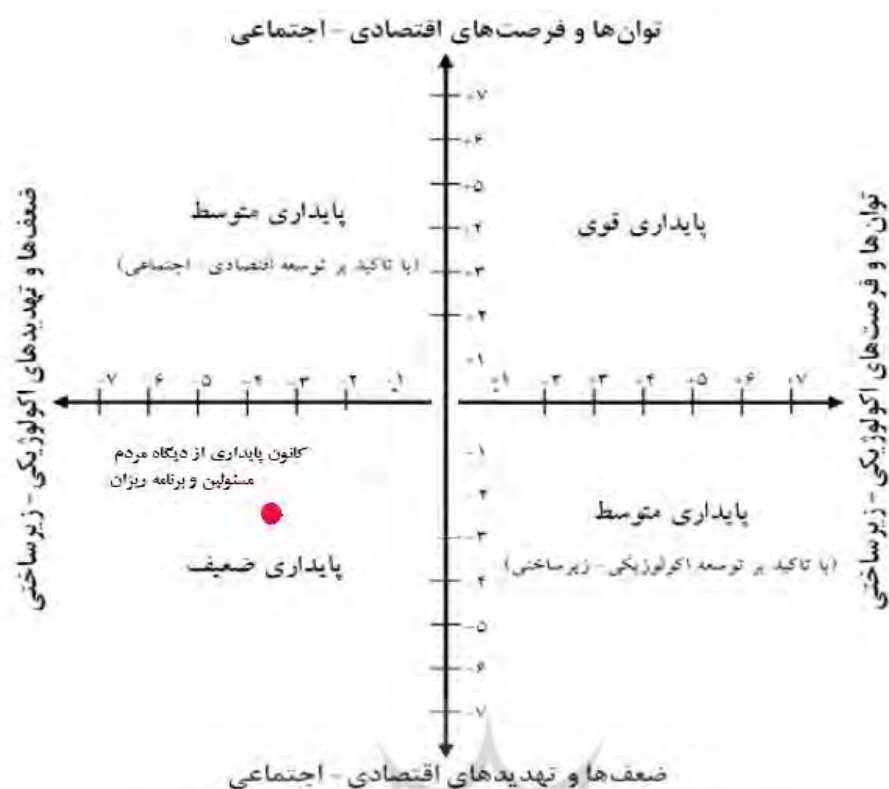
جدول شماره (۳): راهبردهای توسعه گردشگری روستایی در غرب مازندران

عنوان کلی راهبردها	لیست راهبردها
تهاجمی (SO)	SO1: استراتژی افزایش فرآورده ها و محصولات تولیدی توسعه پایدار گردشگری در جهت توسعه جاذبه ها SO2: استراتژی توسعه گردشگری پایدار جهت بازاریابی گردشگری در سطح ملی و جهانی
تنوع (ST)	ST1: استراتژی تنوع سازی در منابع و جاذبه ها ST2: استراتژی بهبود اکولوژی و جاذبه های گردشگری روستایی واز بین بردن آثار منفی پیامدهای گردشگری ST3: استراتژی توسعه روند جذب گردشگر با برنامه ریزی در روند رویدادهای گردشگری
بازنگری (WO)	WO1: استراتژی بهبود خدمات زیر ساختی گردشگری روستایی جهت توسعه گردشگری پایدار روستایی WO2: استراتژی فراهم سازی زمینه برای توسعه و مشارکت مردم در گردشگری
تدافعی (WT)	WT1: استراتژی توانمند سازی جوامع مقصد گردشگری جهت دستیابی بر پایداری انسانی WT2: استراتژی افزایش کیفیت و ساماندهی زیرساختهای تجهیزات مورد نیاز گردشگری روستایی WT3: استراتژی حفاظت از منابع اکولوژیکی و انسانی جهت دستیابی به پایداری گردشگری WT4: استراتژی افزایش کسب و کارهای محلی (گردشگری گسترده) جهت جلوگیری از خروج سرمایه به محیط خارج از روستا WT5: استراتژی افزایش مشارکت نهادهای دولتی و خصوصی و فراهم سازی واگذاری مدیریت گردشگری روستایی برای مردم بومی و مسئولان

ارزیابی موقعیت و اقدامات استراتژیک نشان داد (جدول ۴) امتیازات نهایی برای عوامل داخلی ۳/۲۲۱ و برای عوامل خارجی ۲/۷۹ بوده است. پس از جای گذاری در نمودار اقدام استراتژیک مشخص گردید که موقعیت راهبردی محدوده‌ی مورد مطالعه در بخش چهارم ماتریس قرار دارد. از این رو راهبرد استراتژیک روستاهای مورد مطالعه، راهبردهای تدافعی (WT) تشخیص داده شده است (شکل ۳).

جدول شماره (۴): امتیازات نهایی به دست آمده برای عوامل داخلی و خارجی از دیدگاه پاسخگویان

میانگین کل	مسئولین	برنامه ریزان	مردم	جمع کل عوامل داخلی (قوت و ضعف)
۳/۲۲۱	۳/۲۶	۳/۴۰۱	۳/۰۰۴	
۲/۷۹	۲/۴۶۹	۳/۲۴۰	۲/۶۷۷	جمع کل عوامل خارجی (فرصت و تهدید)



شکل شماره (۳): کانون پایداری برای عوامل داخلی و خارجی از دیدگاه مردم و برنامه‌ریزان مسئولین

بنا به موقعیت استراتژیک ناحیه غرب مازندران برای توسعه گردشگری روستایی و لزوم حرکت راهبردی در چارچوب استراتژی‌های تدافعی، سیاست‌های زیر برای هر کدام از استراتژی‌های پنج‌گانه در موقعیت تدافعی از سوی کارشناسان، برنامه‌ریزان و جامعه محلی ارائه شده است:

**اول، سیاست‌های راهبردی محیطی (حفاظت از منابع و جاذبه‌های گردشگری):**

- رعایت شاخص‌های محیطی توسعه پایدار و لحاظ نمودن ارزش منابع طبیعی و محیط زیست روستاهای هدف و نمونه گردشگری در برنامه‌ریزی‌ها، سیاست‌ها و مطالعات طرح‌ها و پروژه‌ها با تعریف ظرفیت تحمل محیطی جهت ساماندهی کاربری منابع در حد نیاز؛
- تدوین برنامه‌هایی برای احیاء گونه‌های نادر و در حال انقراض گیاهی و جانوری به منظور حفظ تنوع بیولوژیکی و حیات وحش جهت افزایش پایداری اکولوژیکی؛
- حراست از میراث طبیعی و تاریخی و فرهنگی جهت حفاظت و ساماندهی واحیای زیست بوم-های روستاهای هدف و نمونه گردشگری؛
- اعمال مدیریت زیست بومی به منظور نیل به پایداری زیست بوم‌های روستاهای هدف و نمونه گردشگری؛
- ایجاد تعادل در توزیع جمعیت، متناسب با منابع، توان محیطی و ظرفیت تحمل در مناطق مستعد توسعه گردشگری روستایی؛

- توسعه حفاظت از اکوتوریسم روستاهای هدف و نمونه گردشگری، کنترل و حفاظت از منابع آب و خاک، حفاظت و بازسازی ذخایر منابع زیر مینی، مقابله با آلودگی‌های محیط زیست، تخریب جنگل‌ها و نظیر این‌ها همراه با تقویت مدیریت محلی محیط زیست.

**دوم، سیاست‌ها و راهبردی اجتماعی فرهنگی (استراتژی توانمندسازی جوامع مقصد):**

- بهبود کیفیت زندگی افراد بومی ساکن در روستاهای هدف و نمونه گردشگری از طریق توسعه خدمات زیربنایی (آموزش، بهداشت، درمان و...)
- تأکید بر افزایش مشارکت افراد بومی در فعالیتهای فرهنگی با توجه به دانش و آگاهی آموزش و اطلاع رسانی با توجه به افزایش توانمندی‌های اجتماعی؛
- بکارگیری مدیران بومی و آموزش در این زمینه جهت تقویت و افزایش و انسجام و همبستگی اجتماعی و استفاده از این سرمایه اجتماعی در بهبود گردشگری در روستاهای هدف و نمونه گردشگری؛

**سوم، سیاست‌ها و راهبردی اقتصادی (توسعه کسب و کارهای محلی گردشگری):**

- فراهم‌سازی شرایط لازم برای گسترش بخش نوین گردشگری برای توسعه و ترویج کسب و کارهای کوچک و فعالیتهای اقتصادی در بخش گردشگری در روستاهای هدف و نمونه جهت بهبود ساختار اقتصادی روستاها؛
- توسعه و ترویج گردشگری گسترده در روستاهای هدف و نمونه گردشگری جهت ترغیب افراد بومی به سرمایه‌گذاری در فعالیتهای گردشگری جهت افزایش توان اقتصادی روستائیان با ارائه تسهیلات مالی و سرمایه‌ای ویژه؛
- برنامه‌ریزی برای کاهش مالکیت خارجی (تبدیل زمین به سرمایه خانوادگی افراد غیر بومی) با ترغیب افراد بومی جهت توسعه اقتصادی روستاهای هدف و نمونه گردشگری.

**چهارم، سیاست‌ها و راهبردی کالبدی (استراتژی توسعه و ساماندهی زیر ساخت‌های خدمات و**

**تجهیزات مورد نیاز گردشگری):**

- توسعه و تجهیز و ساماندهی خدمات زیر بنایی و بهبود و گسترش زیرساخت‌ها و راه‌های ارتباطی و حمل و نقل روستا جهت دسترسی بهتر به روستاهای هدف و نمونه گردشگری مورد مطالعه؛
- ساماندهی و توسعه خوشه‌ای مجموعه‌های اقامتی و پذیرایی مراکز رفاهی روستاهای هدف و نمونه گردشگری در جهت رسیدن به استراتژی اقتصادی؛
- ساماندهی و احیاء بافت کالبدی روستا با توجه به شرایط مرفولوژیکی روستاها؛

پنجم، سیاست‌ها و راهبردی نهادی (استراتژی توسعه مشارکتی و نهادی و واگذاری مدیریت و

کنترل توسعه گردشگری و اثرات آن به مردم و مسئولان محلی):

- توسعه نهادها و سازمان‌های محلی مرتبط در منطقه مورد مطالعه برای آموزش مردم و گردشگران به منظور بهره‌برداری بهینه و هدفمند از منافع و اثرات مثبت گردشگری؛
- توسعه امکانات آموزشی (گردشگری) جهت بکارگیری نیروهای آموزش دیده بومی برای فعالیت و مدیریت در بخش‌های مختلف روستاهای هدف و نمونه گردشگری جهت رسیدن به پایداری در ابعاد مختلف طبیعی، اجتماعی فرهنگی و اقتصادی؛
- تشویق برای ایجاد و مشارکت مردم محلی برای ایجاد سازمان‌ها و انجمن‌ها NGO برای واگذاری اداره امور فعالیت‌های بخش گردشگری جهت حمایت و حفاظت از جاذبه‌های مهیا و نامحیی روستا جهت رسیدن به پایداری روستاها.

## ۵) نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان داد که توسعه پایدار روستایی به عنوان رهیافت غالب توسعه، باید بیش از پیش مورد توجه ویژه قرار گیرد و پایداری گردشگری روستایی در روستاهای هدف و نمونه گردشگری از این منظر بررسی شود تا با روشن شدن وضعیت گردشگری روستایی به برنامه‌ریزی و مدیریت اصولی، مبتنی بر شناخت و آگاهی دقیق شکل گیرد. افزون بر این، نتایج به دست آمده نشانگر وضعیت نامطلوب توسعه گردشگری روستایی در روستاهای هدف و نمونه گردشگری است. ارتباط بین سیستم انسانی و رفاه اکوسیستم وجود دارد. از این رو باید راهبردهای مناسبی برای پایداری روستاهای هدف و نمونه گردشگری منطقه مورد مطالعه ارائه نمود که طی آن به ارائه استراتژی تدافعی (WT) در ابعاد زیست محیطی، اجتماعی فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و نهادی پرداخته شد تا به پایداری در روستاهای هدف و نمونه گردشگری غرب مازندران رسید. به این ترتیب می‌توان استناد کرد که اولاً وضعیت پایداری روستایی در ناحیه مورد مطالعه نامطلوب است و ثانیاً توزیع جغرافیایی شدت پایداری در روستاهای هدف و نمونه گردشگری غرب مازندران از عامل وضعیت طبیعی بیش از عوامل انسانی تأثیر می‌پذیرد.

## ۶) منابع

- افتخاری رکن الدین، عبدالرضا، داوود مهدوی و مهدی پورطاهری، (۱۳۸۹)، فرایند بومی‌سازی شاخص توسعه پایدار گردشگری روستایی در ایران، مجله پژوهش‌های روستایی، شماره ۴، صص ۱-۴۱.
- افتخاری رکن الدین، عبدالرضا و محسن آقایی‌هیر، (۱۳۸۶)، سطح بندی پایداری توسعه روستایی مطالعه موردی بخش هیر، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۱، صص ۳۱-۴۴.

- افتخاری رکن الدین، عبدالرضا، (۱۳۹۲)، ارائه ی الگوی برنامه ریزی راهبردی توسعه ی گردشگری پایدار روستایی مطالعه ی موردی :دهستان لواسان کوچک، پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ی ۴۵، شماره ی ۱، بهار ۱۳۳-صص ۱۴۶.
- بدری، سید علی و عبدالرضا رکن الدین افتخاری، (۱۳۸۲)، ارزیابی پایداری: مفهوم و روش، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۹.
- پورطاهری، مهدی، ابوذر زال و عبدالرضا رکن الدین افتخاری، (۱۳۹۰)، ارزیابی و اولویت بندی پایداری اجتماعی در مناطق روستایی مطالعه موردی روستاهای شهرستان خرم بید استان فارس، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۴ شماره ۱۳.
- رستمی، فرحناز و کبری زارعی، (۱۳۹۰)، گردشگری روستایی، حلقه گمشده توسعه روستایی، همایش ملی صنایع فرهنگی و نقش آن در توسعه پایداردانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.
- رحمانی، ولی الله، (۱۳۸۶)، ارائه الگوی مناسب برای برنامه ریزی صنعت توریسم در روستاهای کرانه ساحلی شهرستان نور، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی رشت.
- رضوانی، محمد رضا، (۱۳۸۳)، مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران، چاپ اول، تهران: نشر قومس .
- سعیدی، عباس، (۱۳۷۴)، مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت.
- شایان، حمید، سیدرضا حسین زاده و رضا خسرو بیگی، (۱۳۹۰)، ارزیابی پایداری توسعه روستایی مطالعه موردی شهرستان کمیجان، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۲۴.
- شریف زاده، ابوالقاسم، علی اسدی و مهنوش شریفی، (۱۳۹۰)، ارزشیابی پیامدگرا در فرآیند توسعه پایدار راهنمای پایش و ارزشیابی پروژه های توسعه روستایی، انتشارات جهاددانشگاهی تهران
- طالب، مهدی، حسین میرزایی و حسن بخشی زاده، (۱۳۸۹)، برنامه ریزی تعاملی گردشگری روستایی با رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی مورد مطالعه روستای وکیل آباد سردابه، فصلنامه پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۷۱ صص ۳۴-۱۹.
- عنابستانی، علی اکبر، رضا خسروبیگی، علی اکبر تقیلو و رضا شمس الدینی، (۱۳۹۰)، سطح بندی پایداری توسعه روستایی با استفاده از فن تصمیم گیری چند معیاره برنامه ریزی توافقی CP، مطالعه موردی :روستاهای شهرستان کمیجان، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی ° سال سوم، شماره دوم، صص ۱۳-۱
- قنبری، یوسف، (۱۳۸۶)، گردشگری روستایی، رویکردی جدید در مدیریت روستایی کشور، فصلنامه پیک نور، سال هفتم، شماره سوم.
- کاظمی، موسی، (۱۳۹۰)، ارزیابی پایداری توسعه شهری مفاهیم روش ها و شاخصها، نشریه پیک نور شماره ۲.
- Briedenhann, J. and Wickens, E., (2004), **Tourism routes as a tool for the economic development of rural areas—vibrant hope or impossible dream?**, *Tourism Management*, Vol. 25 No. 1 pages. 71-79.
- Bontron, Jean-Claude and Nadine Lasnier (1997), "**Tourism: A Potential Source of Rural Employment**", in *Rural Employment: An International Perspective*, Ray D. Bollman and John M. Bryden eds. New York: CAB International: 427-446;



- Crouch, G. I. and Ritchie, J. B. R., (1994), **Destination Competitiveness: Exploring Foundations for a Long-Term Research Program** Proceedings of the Administrative Sciences Association of Canada, 1994 Annual Conference, June 25° 28, Halifax, Nov Scotia
- Jurowski, Claudia (1996), "**Tourism Means More than Money to the Host Community**", Parks and Recreation, Vol. 31, No. 9: 110-118
- Henning, Steven A. (1996), "**Developing a Rural Tourism Marketing Strategy Based on Visitor Profiles**" Louisiana Agriculture, Vol. 39, No. 1: 8-9
- Hacking T. , Guthrie P. (2008) **A framework for clarifying the meaning of triple bottom-line, integrated and sustainability assessment** ; Environmental Impact Assessment Review 28, pp:73-89.
- Mason, M. C. and derVen Der Borg J., (2002), **Sustainable Tourism Development in Rural Areas**, The case if the Dolomite Basin, Italy .pp227° 234. ,
- Reed, M.S. & et al. (2006); **an adaptive learning process for developing and applying sustainability indicators with local communities**; Ecological Economics 59, 406-418.
- Riley, J. (2001); **Multidisciplinary indicators of impact and change: key issues for identification and summary**; Agriculture, Ecosystems & Environment 87, 245-259.
- Sustainable seattle, (1996), Indicators of sustainable community, the sustainable seattle, seattle, wa
- Weaver, Glenn (1986), "**Tourism Development: A Potential for Economic Growth**", in New Dimensions in Rural Policy: Building Upon our Heritage, Subcommittee on Agriculture and Transportation of the Joint Economic Committee, U.S. Congress: 440- 444;

